



گفت و گو با دیوید فینچر کارگردان دختر گمشده:

پیش فرض همکاری با من رسیدن به برداشت سیزدهم است



ریلو: فیلم‌هایی که تاکنون ساخته‌اید با یکدیگر متفاوت هستند. شبکه اجتماعی و مورد عجیب پنجاهمین باطن که برای هر دو نامزد دریافت اسکار برای بهترین کارگردان شده‌اید. اما بیشتر برای ساخت فیلم‌های تاریک تر و پیچیده‌تر از هفت، باشگاه مشت‌زنی و دختری با خالکوبی از دهه‌ها شناخته می‌شود. چه چیزی برای کارگردانی که فیلم‌هایش دیدگان را خشمگین می‌کند، می‌ترساند و ناآرام می‌کند ترسناک تلقی می‌شود؟

فینچر: از خودراضی بودن برای من ترسناک است. من همچنین از عنکبوت، مار، کوسه، خرس و هر آن چیزی که من را جزو زنجیره غذایی خودش بباند چندان استقبال نمی‌کنم. در مناطقی که ما در لس آنجلس زندگی می‌کنیم، من مشکل خاصی ندارم، اما وقتی که دخترم سه‌ساله بود عنکبوت‌های سبز باغ به بزرگی کف دستم تارهای بزرگی می‌تنیدند که هم‌قد یک‌پنجه‌ساله بود.

به موارد بیشتری اشاره کنید، مواردی که واقعا شما را می‌ترساند؟

درباره یک مرد آلمانی مطالبی شنیدم که یک آگهی در اینترنت منتشر کرده بود و گفته بود که می‌خواهد یک نفر را بربورد. یک نفر هم به آگهی پاسخ داده بود. این داستان یکسری از ناراحت‌کننده‌ترین چیزهایی بود که تاکنون شنیده‌ام. این مسائل گاهی حتی در ذهنم جای نمی‌گیرد. با این حال این موضوع یکی از ناراحت‌کننده‌ترین مواردی بود که طی یک مدت مدید شنیده‌ام. موضوعاتی که در سینما توجه مرا به خود جلب می‌کند چیز چینی‌حالتی برام دارد. به شروع با ایده‌ای که در نهایت جعبه پاندورای ایده‌های دیدگان را می‌گشاید علاقه‌مند هستم.

تاکنون تعارضی با دیدگان بر سر شکستن قفل جعبه پاندورای افکار تاریکشان پیش‌نیامده است؟

وقتی که فیلم اژه و فیلم‌های دیگر از این دست اکران شد تا حدی آن را الهام به خود تلقی کردم. بعضی‌ها می‌فکند که آغاز این گونه کارها با هفت رقم خورده است؛ ایده‌ای که تحت هیچ شرایطی با آن موافق نبودم. لازم نیست من از حس و درک زیبایی‌شناسانه هفت دفاع کنم. فضای فیلم تاریک و ترسناک بود و قرار بود ترسناک باشد اما موضوعی که من به آن بهای می‌دهم و فکری می‌کنم، این است که فیلمنامه اندرو کوبن واکر به خوبی توانسته از پس آن برآید و آن مسأله مشغول نگه داشتن ذهن مخاطب است. این داستان روی تخیل مخاطب کار می‌کند و ما کمالات از این حقیقت مطلع بودیم؛ به طوری که درباره شکنجه صحبت کردیم. اما هرگز تصویری مبنی بر آن نشان ندادیم.

نکته‌ای که اشاره کرده‌اید جالب به نظر می‌رسد اما در همین حال برخی از طرفداران فیلم هفت به شدت اعتقاد دارند که سر گوینت پالترو و نقش همسر پردیت را در فیلم بازی می‌کرد یا پان فیلم در یک جعبه دیده‌اند.

دقیقا همین طور است اما این صحنه هرگز به نمایش در نیامده است. چرا که ما از فیلمنامه اندرو پیروی می‌کردیم و برد مورگان فریمن نقش کارآگاهان را ایفا می‌کردند. مادر شرایط خوبی بود و برای نشان دادن سر همسر کارآگاه هیچ اجباری نداشتم. بخش جالب روایت داستان این است که وقتی می‌دانید توجه مخاطب را در اختیار خود دارید می‌توانید داستان را به نحوی روایت کنید که آنها تصور کنند فیلم به کدام سو در حال پیشروی است. من نه تنها به روانشناسی هدایت مخاطب علاقه‌مندم بلکه به پذیرفتن مسئولیت هدایت آنها، حتی

به چالش کشیدن دیوید فینچر کارگردان آثاری چون باشگاه مشت‌زنی، زودیاک و شبکه اجتماعی کار دشواری است، چرا که بسیاری وی را به عنوان فیلمساز می‌شناسند که با رضایت تمام کاراکتر محبوب ریپلی را در بیگانه ۳ از بین برد، سر گوینت پالترو را در فیلم هفت در یک جعبه قرار داد و جودی فاسترو و کرینستون استوارت را در یک اتاق وحشت ناشی کرد!

اما با ساخت اثر پر فروش جیلیان فلین به نام دختر گمشده باید انتظار خنده‌های ناآرام، راز و رمزهای وحشت آلود بیشتری از وی روی صفحه نقره‌ای داشته باشید به طوری که یکی از منتقدان آن را به عنوان فیلمی توصیف کرده که تاریک‌تر از حد انتظار وی بوده است. از طرف دیگر انتظار هم نمی‌رفت که این فیلم توسط فینچر به شکلی دیگر ساخته شود.

این گفت‌وگو توسط استفن ریلو یک نویسنده و روزنامه‌نگار با دیوید فینچر انجام شده که در سایت نشریات اینترنتی متفاوتی منتشر شده است. او در این گفت‌وگو درباره همکاری‌های متعدد در دیت و فینچر، همکاری با او در صحنه‌هایی که درگیر ۱۱ بر داشت می‌شوند، انتخاب بازیگران جدیدترین فیلمش دختر گمشده و بهره‌گیری از این افلاک و روزاموندن پاپیک صحبت کرده است.

رمان پر فروش وسیع جیلیان فلین در سراسر دنیا از تغییراتی که توسط شما دوفتر در نسخه فیلم از داستان اعمال شده‌شو که شنود؟

به طور قطع عناصر بسیاری در کتاب جیلیان وجود دارد که در فیلم هم جای خود را به خوبی باز کرده‌اند. مخاطب همچنان تلاش می‌کند سرخ‌ها و چیزهایی از این دست را در کنار هم قرار دهد. کتاب خیلی جالب است، اما وقتی کتاب را خواندم با خودم گفتم چگونه توانسته دوسم از ماجرا را کنار بگذارد و دوازدهم در همان مسیر حرکت کند؟ از سوزی و دیگر داستان کتاب از اوج‌های مدرن را هم جالب و هم تاریک نشان می‌دهد.

فکر می‌کنم کتاب جیلیان درباره ازدواج و پنهان کردن آن در پس فکری بزرگ گریه‌ناهنوشته شده است. وقتی لایه‌ها را کنار می‌زنید و به هسته می‌رسید، لطافت اصلی را احساس خواهید کرد. در این فیلم لحن‌های وجود دارد که خود را بر اساس عملکرد اجرایی کاراکترها گنج و مهیوت می‌یابید. کاراکترهای این داستان به نوعی نامید و بسیار انسانی به نظر می‌رسند.

به آن‌ها شدن اعصاب سر ما به گذاران فیلم کمک می‌کند و به شما این امکان را می‌دهد که فیلم را طوری که می‌خواهید بسازید.

وقتی بیگانه ۳ را به عنوان اولین فیلم می‌ساختم، باید برای همه چیز اجازه می‌گرفتم، اما دومین فیلم یعنی هفت فیلم من و آندی واکر بود. فیلم برد پیت، مورگان فریمن و کوین اسپسی بود. وقتی فیلم را می‌ساختم از هیچ‌کس برای انجام هیچ کاری اجازه نخواستم. با استودیو توافق کردیم، بودجه فیلم ۲۴ میلیون دلار در نظر گرفته شده بود اما با اتمام فیلم سه میلیون از بودجه فراتر رفته بودیم. تهیه‌کننده اعتقاد داشت که مخاطب به افشاسازی نیاز دارد و ما این کار را با بهره‌گیری از گوینت پالترو انجام دادیم؛ کاراکتری که مخاطبان تصور می‌کنند قسمتی از سر او را در جعبه دیده‌اند. اما اگر امروز قرار بود فیلم هفت را کارگردانی کنم، از شیوای متفاوت استفاده می‌کردم و ماجرا را بازمه‌تر می‌ساختم. وقتی کار به ساخت فیلم زودیاک یا بنجامین باتن رسید فهمیدم که می‌دانم در حال انجام چه کاری هستم.

در فیلم جدیدتان دختر گمشده، اوضاع وخیم می‌شود، هم برای مخاطب هم برای بن افلاک که نقش روزنامه‌نگار سابق یک مجله را بر عهده دارد. وی مجبور است مدام بگوید که به هیچ وجه با ناپدید شدن زن تروتمند و ظاهرش این نقص خود را تباطی ندارد. کتاب اثر برای گروه‌ها و پیش‌های داستان مشهور است. از طرف دیگر صحبت‌کردن درباره این فیلم جدید بدون افشای داستان دشوار است. نگران نیستید که طرفداران

از روزاموندن دیدم و تصور چند بی‌نقصی هم از وی نداشتم. علت این امر هم هنگام ملاقات با وی برام مشخص شد. وی عجیب است. نقش بسیار دشوار است و در حقیقت به نظر می‌رسد که روزاموندن تنها کسی بود که می‌توانست در این جایگاه ایفای نقش کند. سر صحنه انتقالی شنیدم که روزاموندن بن می‌رسد به نظر تو فینچر چه چیزی در من دیده که از من خواسته در این نقش ظاهر شوم؟ بن گفت: چرا از خودت نپرسی؟ در آن لحظه رو به بن کرده و گفتم باید این سؤال را از من بپرسی که فینچر چه چیزی در من دید که از من خواست در این نقش ظاهر شوم؟ گرینه عجیبی در میان نیست که از شما دو نفر بخواهم در تمام طول فیلم آن را انجام دهید. در هر صورت بن و روزاموندن هر دو در ایفای نقش خود عالی عمل کردند.

تا امروز ستارگان دختر گمشده ساکت بوده‌اند اما سایر ستارگانی که تاکنون با آنها کار کرده‌اید، چون دنیل کریگ، رابرت داونی جونیور و جیک جیلنهال درباره تجربه کار کردن با شما صحبت کرده و آن را با هر غم سخت بودن از شنیدن توصیف کرده‌اند و همه آنها گفته‌اند که شما بارها برای یک صحنه خواستار بر داشت‌های بسیاری شده‌اید.

این طور نیست که ستارگان بتوانند پاسخ تمام کمبودهای دوران کودکی خود را هنگام فیلمسازی با من پیدا کنند. وقتی زودیاک را می‌ساختم به جیک گفتم که من تضمین می‌کنم فیلم خوبی خواهم ساخت، می‌توانی تضمین بگیری که می‌خواهی ضعیف‌ترین عامل فیلم من باشی یا می‌توانی در آن بدر خشی. داونی رابطه جالبی با جیک در آن فیلم داشت. فکر می‌کنم احساس می‌کرد این وظیفه اوست که خاطر نشان کند چقدر کار به عنوان یک هنرپیشه ۱۴ ساله آن هم وقتی خیلی از چشم‌ها و انتظارات روی توست دشوار است. برخلاف تمام این معضلات، می‌خواستیم شرایطی فراهم کنیم که جیک بهترین ایفای نقش خود را در آن نشان دهد، چرا که انتظار می‌رفت ایفای نقش وی با انتقاد بسیاری روبه‌رو شود.

اعتراض داونی و جیلنهال درباره فیلمبرداری دوباره و دوباره برخی از صحنه‌ها بود. از برداشت ۱۱ چه چیزی حاصل می‌شود که از برداشت ۵ به دست نمی‌آید؟

بخشی از پیش‌فرض کار من با هنرپیشه‌ها این است که ممکن است ما به برداشت یازدهم هم برسیم. من به آنها می‌گویم که ما به طور قطع به یک نسخه‌ای دست کرده و همه از آن رضایت داشته باشیم. اما می‌خواهم هفت برداشت دیگر داشته باشیم و ایده خود را پیش ببرم تا ببینیم که کار چگونه پیش می‌رود. شاید بخواهم پس از این هفت برداشت به عقب بازگردم و بگویم که همه این کار کردن وقت و انرژی بود اما باید تلاش کنم، چرا که احساس می‌کنم در این میان شرایط و حالتهای وجود دارد که هنوز نمایان نشده است و با این هفت برداشت شاید بتوانم بیشتر به آن نزدیک شوم. یک هنرپیشه اضافه کاری بسیار بر عهده دارد و گاهی این کار اضافه آنها را از محدوده امن و راحتشان بیرون می‌آورد و به گونه‌ای احساس ناخوشایندی برایشان ایجاد می‌کند. گاهی دستمزد آنها برای این کار اضافه شبیه سایر فیلم‌ها نیست. شاید هنرپیشه‌ها وقتی برای من کار می‌کنند باید بیشتر زحمت بکشند. اما من می‌خواهم که آنها هم راضی باشند چرا که باید این حقیقت را در نظر داشته باشند که ما می‌توانیم کاری بسیار برجسته و بی‌شکایت به سایر آثاری که تاکنون در فیلم‌شناسی خودشان تاکنون ثبت کرده‌اند به تصویر بکشیم.

دو تفسیر متفاوت از زندگی مدرن

| ترجمه و تنظیم: مریم صفایی |

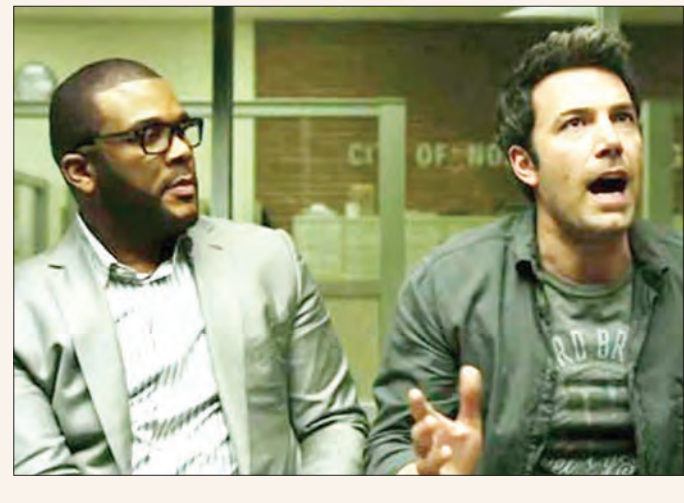
بن افلاک و روزاموندن پاپیک در نقش نیک و ایمی دان در فیلم دختر گمشده تصویر بی‌نقصی را از دنیایی ارائه کرده‌اند که وضوح بکر یک صحنه جرم را در خود دارد. آخرین باری که دیوید فینچر تصمیم به اقتباس از یک اثر پر فروش را گرفت نتیجه آن دختری با خالکوبی از دهه‌ها بود که تصویری مطابق با سلیقه روز و چشمگیر اما محتوایی خالی بود. این اثر بازسازی انگلیسی زبان از یک اثر موفق سوئدی - دانمارکی بود که به نظر غیر ضروری می‌رسید. اکنون به نظر می‌رسد فینچر با اقتباس هیجان انگیز از رمان دو وجهی و مجذوب‌کننده جیلیان فلین که به زیبایی توسط خود نویسنده برای سینما باز تنظیم شده، به جایگاه اصلی خود بازگشته است و با تلفیق شیوه آیدن گرانه «زودیاک» و درخشندگی سطح بالای «بازی» استنادانه مخاطب را متحرف کرده و وی را از راه‌های توی اسرار آمیز زندگی مدرن به پاپیکو شاد مرگ دعوت می‌کند.

این تریلر روانشناسانه گسترده و در عین حال از نظر ساختاری محکم نگاه و بینش فینچر درباره عصر اطلاعات و مجذوبیت همیشگی او نسبت به وحشت و خشونت او که زیر زندگی مدرن آمریکا در جریان است را به تصویر کشیده است. نیک‌دان (بن افلاک) در روز پنجمین سالگرد ازدواجش متوجه می‌شود که خانه‌اش به شکلی نمایشی مورد تعرض قرار گرفته است. در جلویی باز مانده یک میز شیشه‌ای واز گون و خرد شده و همسرش (روزاموندن پاپیک) به شکلی دور از انتظار مفقود شده است. وقتی کار آگاه و رندا بونی (کیم دیکنز) وارد صحنه جرم می‌شود احساس می‌کند که همه چیز آنطور که به نظر می‌رسد نیست. شواهد درگیری ساختگی و مناقشاتی که در خانه این زوج جوان وجود داشته موجب می‌شود که انگشت اتهام نیک را نشانه بگیرد، همسری که نمایش مشکوکش از غم و اندوه گمشدن همسرش در عصر رسانه‌های اجتماعی و اخباری که همچنان در جریان است برای مقامات اجرای قانون کفایت نمی‌کند. ظرف چند روز، تصویر لیخند جامعه‌سنجی‌انه نیک در اینترنت و رسانه‌ها به موضوع مهم‌تری نسبت به جست‌وجو



برای یافتن همسر گمشده‌اش تبدیل می‌شود. در این میان صدای نیک از میان صفحات یک دفترچه خاطرات شنیده می‌شود که نشان‌دهنده یک تفسیر متفاوتی از زندگی زناشویی به ظاهر آرام و مسالمت‌آمیزشان است. دختر گمشده که بخشی از آن را یک قتل رموز و مشهور و بخش دیگر را یک هجو اجتماعی تشکیل می‌دهد با صحنه‌ای آغاز می‌شود که نیک با تعجب از خود می‌پرسد: به چی فکر می‌کنی؟ او احساس داری؟ ما چه به روز هم آوردیم؟ پس از آن با شغف کامل از تمام وقت خود برای برپیز از پاسخ به همه این سوالات استفاده می‌کند. دست مثل فیلم «بازی» که سئون پین درگیر نقش بازی کردن برای مایکل داکلاس شده بود، کاراکترهای اصلی این داستان نیز بین پذیرفتن و نپذیرفتن پروژهای که برایشان مشخص شده معلق مانده‌اند، خود واقعی آنها بین لایه‌های پیچیده و متقلبه پنهان شده است. به نظر می‌رسد همه چیز بازی باشد، همه وانمود می‌کنند چیزی هستند که در واقعیت نیستند، آنها خود را برای جامعه و برای یکدیگر ویرایش و دوبار نویسی می‌کنند.

ظواهر اینجاست. ایمی یک کاراکتر نسبتاً فرضی است که در داستان‌های پر فروش مادرش برای مخاطب کودک بسیار موجه و حتی بسیار ایده‌آل جلوه داده شده است. یک شخصیت جایگزین داستان‌های کودکانه که گوئی در کمین بزرگسالی نشسته است. دفترچه خاطرات ایمی داستان دیگری را روایت می‌کند، داستانی که در آن راوی قابل اعتماد (یا



ذره بین